خبر

## نمی توان به مردم وعده حل یک شبه مشکلات را داد

فعال سیاسی و استاد دانشگاه گفت: چهار سال آینده مشکلات دشوارتر است و راهی پرتلاش تر در پیش خواهیم داشت و در واقع نمی توان به مردم وعده حل مشکلات را به صورت یک شبه داد. به گزارش ایرنا، علی رضا علوی تبار در جمع دانشگاهیان حامی حسن روحانی در گرگان افزود: کسانی که در سیاست وعده زیاد می دهند، یا شارلاتان هستند و یا ناآگاه ما به این گروه ها رای نمی دهیم. وی بیان کرد: باید به کسی رای دهیم که نشان داده با گوش دادن به حرف های کارشناسان می تواند مسائل و مشکلات را حل کند.علوی تبار ادامه داد: باید کسانی را انتخاب کنیم که هزینه مشکلات تاریخی را تداوم ندهند، در بین گزینه های موجود کسی جز روحانی نمی تواند با کمترین هزینه ایران را از بحران نجات دهد و به سلامت در مسیر ریل خود قرار دهد. این فعال سیاسی گفت: پرسیدن ریشه مشکلات از مردم، در واقع مردم فریبی است، زیرا مردم تنها مشکلاتی از قبیل گرانی، بیکاری، فساد و اعتیاد را حس می کنند، اما ریشه اصلی آن را باید از طریق تئوری های علوم اجتماعی پیدا کرد. این استاد دانشگاه بیان کرد: با توجه به شرایط کشور که دارای مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و کم و بیش این مشکلات باقی مانده، باید با امنیت خاطر از درستی دفاع کنیم و نباید به قبل بازگردیم، زیرا ایران تا آستانه وضعیی ناهنجار پیش رفت و نباید بگذاریم که آن وضع تکرار شود و تضمین جلوگیری از این مساله، حضور در صحنه انتخابات است. وی ادامه داد:باید قدرت را تفویض کرد، باید در مقام پاسخگویی برآییم و اگر جلو انتقادهای سازنده را بگیریم، آن دولت فاسد خواهد شد. علوی تبار افزود: ما در صحنه می مانیم تا دولت روحانی که در مسیر درستی حرکت می کند بتواند مشکلات ایران را حل کند.وی اظهار داشت: تصور ما از آینده ایران، به علت امید زیاد مردم به این دولت، روشن است و این مردم استحقاق خدمت دارند، زیرا همه مشکلات و گردنه های سخت را پشت سر گذاشته اند تا آینده ای روشن برای خود ترسیم کنند.

«»

## کمیته حقیقت یاب حادثه معدن آزادشهر فعال می شود

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان گفت: کمیته کارشناسی حقیقت یاب حادثه معدن زمستان یورت آزادشهر با پایان یافتن عملیات آواربرداری از دیروز به طور رسمی در استان فعال می شود. به گزارش ایرنا، حسینقلی قوانلو اظهار داشت: در این کمیته دو استاد دانشگاه، ۳ الی ۴ بازنشسته معدن، ۲ مسئول قدیمی معدن عضو هستند و به بررسی علت بروز حادثه معدن آزادشهر خواهند پرداخت.وی با بیان اینکه هرچه تاکنون از علت حادثه معدن زمستان یورت آزادشهر گفته شده، حدس و گمان است، اضافه کرد: همه باید منتظر نظر کارشناسی کمیته حقیقت یاب باشیم تا علت اصلی بروز این حادثه مشخص شود. کمیته حقیقت یاب معدن زمستان یورت آزادشهر در سطح کلان کشوری نیز از سوی دو وزیر صنعت، معدن و تجارت و تعاون، کار و رفاه اجتماعی با دستور معاون اول رئیس جمهوری در تهران فعال شده است.

«»

## ستادهای تبلیغاتی نامزدها موازین اخلاقی را رعایت کنند

فرماندار علی آباد از ستادهای تبلیغاتی نامزدهای شوراها و ریاست جمهوری در این شهرستان خواست که موازین اخلاقی و قوانین را رعایت کنند.به گزارش ایرنا از کمیته اطلاع رسانی وتبلیغات ستاد انتخابات شهرستان، احمد تجری مفرد در حاشیه بازدید از ستادهای تبلیغات انتخاباتی شهر علی آبادکتول با تاکید بر رعایت کامل قوانین تبلیغات توسط نامزدها، مسئولین ستادها و حامیان آنها افزود: رعایت اخلاق انتخاباتی و منشور اخلاقی امری قابل تمجید است و حامیان نامزدها به این امر توجه کامل داشته باشند. وی، انتخابات را فرصتی برای همدلی و همزبانی و به رخ کشیدن اقتدار و مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی بیان کرد و اظهار داشت: ضرورت دارد نامزدهای شوراهای اسلامی و طرفداران آنان ضمن رعایت ضوابط و مقررات در جهت مشارکت و حضور گسترده مردم تلاش نمایند.

## جامعه آماری جان باختگان حادثه معدن آزادشهر

در حادثه انفجار معدن زغال سنگ آزادشهر ۴۳ معدنچی جان خود را از دست دادند که پیکر آنها از زیر آوار خارج شده و برای همگی علاوه بر صدور جواز دفن؛ حُکم دریافت حقوق و مستمری بازماندگان صادر شده است. مدیرکل تامین اجتماعی گلستان در این رابطه به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: از ۴۳ نفر جان باخته معدن آزادشهر که برای آنها حکم مستمری صادر شده است ۱۰۴ نفر بازمانده (عیال) است. علی اصغر نیک نیا با بیان اینکه جوان ترین کارگر جان باخته در معدن آزادشهر ۲۹ سال و مسن ترین آنها ۵۵ سال داشته است، گفت: میانگین سنی کارگران جان باخته در این حادثه غم بار ۳۶ سال است.وی اظهار داشت: تمام ۴۳ کارگر جان باخته متاهل بوده اند و سن جوان ترین همسر کارگران ۲۳ سال و مسن ترین آنها ۴۸ سال و میانگین سنی همسران ۳۲ سال است.وی بیان داشت: از کارگران جان باخته معدن آزادشهر ۶۲ فرزند شامل ۳۳ دختر و ۲۹ پسر باقی مانده که میانگین سن آنها ۱۰ سال است و کوچکترین آنها نوزادی ۲ ماهه می باشد.مدیرکل تامین اجتماعی در پاسخ به اینکه گفته می شود لیست بیمه کارگران معدن آزادشهر ناقص بوده و برای برخی از آنها مشاغلی همچون آرایشگری و غیره درج و محاسبه شده است، این موضوع را از اساس تکذیب کرد و گفت: اگر همچنین چیزی وجود داشت با توجه به مقررات و قوانین تامین اجتماعی صدور احکام مستمری برای بازماندگان دچار مشکل می شد در حالیکه این موضوع در کوتاه ترین زمان ممکن و بدون مشکل خاص انجام شد.نیک نیا خاطرنشان کرد: کَف حقوق و پایین ترین پرداختی به بازماندگان جان باخته معدن آزادشهر ماهیانه یک میلیون و ۵۰ هزار تومان خواهد بود.وی در خصوص سنوات و فوق العاده های حقوقی کارگران؛ ابراز داشت: فرضا اگر هم در بحث محاسبه سنوات و پرداخت اضافه کار و بُن کارگران نواقصی وجود داشته است این موضوع خارج از حیطه کار تامین اجتماعی و در حوزه مسوولیت اداره کار است اما از حیث پرداختی حق بیمه کارگران معدن آزادشهر مشکلی وجود نداشته است.

# وضعیت نامطلوب حمل و نقل عمومی

شهروندان گرگانی در حالی از وضعیت حمل و نقل عمومی گله دارند که شهرداری به جای بهبود وضعیت ناوگان این بخش، میلیاردها تومان برای تقاطع هایی هزینه کرده که اکنون از ترافیک لبریز هستند. به گزارش مهر، ظهر یک روز آفتابی است، برای رفتن به مسیری سوار تاکسی می‌شوم و مدتی پشت چراغ‌قرمز معطل می‌مانم. آفتاب سوزان مستقیم به صورتم می‌تابد، دستم را برای پایین آوردن سایه بان خودرو بالا می‌آورم که می‌بینم این تاکسی سایه بان ندارد، تصمیم می‌گیرم که کمی شیشه را پایین بیاورم تا بلکه هوای داخل تاکسی عوض شود اما شیشه پایین نمی‌آید چون خراب است.در موقع حرکت هم مدام صدای اجزای داخل ماشین شنیده می‌شود. این وضعیت یک تاکسی در گرگان نیست بلکه وضعیت دست‌کم یک‌سوم تاکسی‌های این شهر بوده که حسرت طی کردن یک مسیر با خاطری آرام و دلی خوش را از مسافر گرفته است. متاسفانه اتوبوس‌های شهر هم وضعیت بهتری ندارند. یا صندلی‌ها پاره است یا شکسته و یا اتوبوس سیستم سرمایشی در تابستان ندارد. بعضی از اتوبوس‌ها هم که در مواقع بارندگی چکه می‌کنند. عمر بالا و فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل شهری گرگان جدا از زشت کردن چهره شهری تمایل مردم برای استفاده از این وسایل را کاهش داده و آن‌ها را مجبور به استفاده از وسایل نقلیه شخصی کرده است. همین مساله باعث تشدید ترافیک گرگان شده و شهرداری به جای توسعه حمل و نقل عمومی به سمت احداث تقاطع های غیر همسطح حرکت کرد. حرکتی که هزینه های چند میلیاردی بر دوش شهرداری گذاشت ولی این پروژه ها در کمتر از یک سال با شکست مواجه شده و تقاطع های غیر هم سطح از ترافیک لبریز شده اند. عطیه احمدی یکی از شهروندان گرگانی معتقد است فضای فعلی حمل نقل شهری گرگان با این وضعیت زشت و نامناسب تنها منجر به افسرده شدن شهروندان می‌شود. این شهروند گرگانی با ستایش از اقدامات شهرداری در زیباسازی شهری گفت: متأسفانه شهرداری در تمام زمینه‌های شهری یکسان عمل نمی‌کند، ما در ظاهر شهر زیبایی داریم اما این زیبایی در کنار این وسایل نقلیه فرسوده در تضاد است و من زمانی که در اتوبوس‌های فرسوده که به دلیل تهویه نامناسب بوی ماندگی هوا می‌دهد یا سیستم سرمایش و گرمایش خوبی ندارد هستم زیبایی‌های شهر به چشمم نمی‌آید.احمدی ادامه داد: سیستم فرسوده حمل‌ونقل شهری به‌قدری برای مردم عادی شده که اگر یک روز سوار یک تاکسی نو شوم امکانات و فضای راحت تاکسی موجب تعجبم می‌شود و تفاوت را به شکل فاحشی احساس می‌کنم. وی می گوید که حمل و نقل عمومی گرگان بسیار بی نظم است و برای دسترسی به برخی شهرک ها هم اصلا سرویسی وجود ندارد.

هزینه سنگین افتتاحیه پروژه‌های شهرداری عامل نخریدن اتوبوس

تعدادی از کارشناسان شهری معتقدند طی این چهار سال گذشته برخی پروژه‌هایی نظیر روگذر و زیر گذر در شهر گرگان ساخته شد که هزینه‌های سنگینی برای ساخت و افتتاح آن ها پرداخت شد و این در صورتی است که به جای آن هزینه های سنگین می شد یک اتوبوس به ناوگان حمل و نقل عمومی شهر گرگان اضافه کرد. اتفاقی که طی چهار سال گذشته رخ نداد. احمد صیادی، کارشناس ارشد مسائل شهری در این رابطه گفت: من پیشنهاد می‌کنم اگر شهرداری نمی تواند ناوگان حمل و نقل عمومی را به خوبی اداره کند بخشی از آن را به بخش خصوصی بسپارد و از ظرفیت بخش خصوصی در این زمینه استفاده کند.وی با بیان اینکه بسیاری از خانواده‌ها سرمایه دارند و فرزند بیکار در خانه‌دارند، افزود: این خانواده‌ها می‌توانند اتوبوس‌هایی خریداری کنند و در برخی از مسیرها به شکل شبانه‌روزی به کار ببرند. سازمان اتوبوس‌رانی شهرداری گرگان بالای ۴۰ سال قدمت داشته و در حال حاضر نزدیک به ۱۰۰ دستگاه اتوبوس در ناوگان حمل‌ونقل شهری گرگان وجود دارد که میانگین عمر آن حدود ۱۰ سال است. در سیصد و شصت و سومین جلسه شورای شهر گرگان بودجه ۹ میلیارد تومانی برای سازمان اتوبوس رانی گرگان به تصویب رسید تا بخشی از ناوگان اتوبوس رانی نوسازی شود.مدیرعامل سازمان اتوبوس‌رانی شهرستان گرگان از وجود ۹۹ دستگاه اتوبوس در سطح شهرستان خبر داد و گفت: شهرستان گرگان دارای پنج دستگاه مینی‌بوس، چهار دستگاه میدل‌باس و ۱۲ دستگاه مینی بوس در اختیار بخش خصوصی است که در ۳۶ خط به‌صورت همه‌روزه در سطح شهر مشغول سرویس‌دهی به شهروندان هستند. رمضان عباسی با بیان اینکه قرار شده ۱۲ دستگاه اتوبوس به ناوگان اتوبوس‌رانی شهرستان گرگان تزریق شود، افزود: با اضافه شدن این اتوبوس‌ها زمان انتظار مسافران کاهش پیدا می‌کند چراکه در برخی خطوط یک یا دو اتوبوس دیگر اضافه می‌شود و مردم دیگر دغدغه‌ای برای جابه جایی ندارند. مدیرعامل سازمان اتوبوس‌رانی شهرستان گرگان میانگین عمر اتوبوس‌های فعلی را ۱۰ سال عنوان کرد و گفت: اضافه شدن این اتوبوس‌ها بحث جابه جایی مسافران را تسهیل می‌کند و ما تعدادی از اتوبوس‌های فرسوده را از دور خارج می‌کنیم.

وجود ۱۰۰۰ تاکسی فرسوده در سطح شهر گرگان

علی کلاته، رئیس تاکسی‌رانی شهرداری گرگان از وجود دست‌کم یک هزار تاکسی فرسوده در شهر گرگان خبر داد و اظهار کرد: خودروهای پایین‌تر از مدل سال ۸۳ دفترچه آن‌ها تمدید نمی‌شود و ملزم به نوسازی هستند. وی تصریح کرد: در نامه‌ای که برای نوسازی تاکسی‌ها ابلاغ‌شده است نوسازی از اواخر سال ۹۴ آغازشده و تا شهریور سال ۹۶ ادامه دارد. کلاته در رابطه با شرایط نوسازی تاکسی‌ها اظهار کرد: شرایط نوسازی به این‌گونه است که خودروی راننده به مبلغ پنج میلیون تومان توسط دولت خریداری می‌شود و راننده با آورده پنج میلیون تومان، تسهیلات ۲۰ میلیون تومانی از ستاد نوسازی تاکسیرانی دریافت می‌کند. رئیس تاکسی‌رانی شهرداری گرگان بابیان اینکه خودروهای فرسوده با پژو و سمند جایگزین می‌شوند، تصریح کرد: از بین یک هزار خودروی فرسوده موجود تاکنون تنها ۳۵۰ نفر برای دریافت خودروی جدید ثبت‌نام کرده‌اند.کلاته ادامه داد: این خودروها ۱۲۰ روزه تحویل داده می‌شود و اقساط آن‌هم چهارساله با بهره ۱۶ درصد ماهی ۵۷۰ هزار تومان است.گرچه مدیریت شهری تلاش می کند وضعیت فعلی حمل و نقل عمومی را ارتقا دهد اما شواهد نشان می دهد مردم ناراضی هستند. این در حالی است که طی سال های گذشته هزینه های زیاد برای تقاطع های غیر همسطح شده که اثری نداشته ولی می شد با هزینه کمتر حمل و نقل عمومی را ارتقا داد.

## شوراهای اسلامی نماد مردم سالاری و حاکمیت مردم

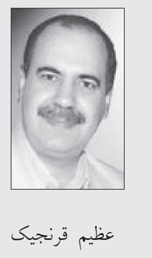

عظیم قرنجیک

شوراهای اسلامی شهر وروستا ، یکی از ضمانت های جمهوریت نظام اسلامی ، و بستری برای تربیت کار جمعی و مشارکت عملی مردم در مدیریت روستاها و شهرها ، و سنگ زیربنای دموکراسی و حاکمیت ملت است . توسعه سیاسی ، پیش نیاز توسعه متوازن و پایدار ، و پیش نیاز اجتناب ناپذیر توسعه سیاسی نیز ، تقویت فرآیند ایجاد و گسترش نهادهای مدنی و مردمی است . لذا افزایش ظرفیت های قانونی و بهبود ساختار حقیقی نهاد شوراها ، بمنظور تحقق واقعی حقوق شهروندی ، باید مورد توجه جدی قرار گیرد . درقانون اساسی بمثابه میثاقی ملی ، از جمله در اصول ششم ، هفتم ، پنجاه وششم و نیز در اصول یکصدم تا یکصدوششم از فصل هفتم ، اداره امور کشور به اتکاء آرای عمومی تبلور خاص یافته است ، به طوری که ، نهاد مردمی شوراها ، هم عرض با سایر نهادهای انتخابی حاکمیتی ، مثل ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است . اینک که عملکرد شوراها را در فراز فرآیند ۱۹ساله اش ، بلحاظ اهداف و دستاوردهایش ، نیک مدنظر قرار داده و منصفانه ارزیابی کنیم ، علیرغم کاستی ها و مشکلات اجرایی و قانونی جایگاه حقیقی شوراها در مدیریت شهری ، تاسیس این نهاد نوپای مدنی ، گامی موثر در راستای تحقق حاکمیت مردم ، و بستری برای یادگیری کار جمعی و مشارکت همگانی را نیز فراهم کرده است . امروزه اهمیت مدیریت شهری ، و نقش و جایگاه شوراهای شهر و روستا در تامین ایمنی و آرامش شهروندان ، برکسی پوشیده نیست . لذا بمنظور تقویت سازمان و اختیارات شوراها ، و سپردن اداره شهرها به مردم ، این برهه از زمان ، ضرورت برخورداری منتخبین از صلاحیت اخلاقی و تخصصی و نیز جهت گیری دموکراتیک و توانمندیهای مدیریتی آنان را ایجاب کرده است . بدین جهت و به لحاظ التزام به حاکمیت قانون و قواعد مردم سالاری ، حضور افراد واجد شرایط برای پذیرش این مسئولیت ، که به حقوق شهروندی متعهد بوده ، و از سلامت اخلاقی و مالی برخوردار بوده ، و واجد تخصص های مرتبط با مدیریت شهری باشند ، جهت رفع مسائل و مشکلات کنونی شهرها ، و پاسخ به نیاز سلامت ایمنی و آرامش روانی شهروندان ، ضرورتی انکارناپذیر است . شهرها و روستاهای مختلف استان گلستان ، به جهت تنوع قومیت ها و گستره زبانهای گوناگون ،اقتضا دارد تا در راستای بهبود شاخص های عدالت اجتماعی ، افزایش بهره وری اقتصادی ، و ترمیم شکافهای اجتماعی ناشی از صور گوناگون تبعیض و نابرابری ، و رعایت حقوق اقوام و اقلیت های مذهبی ، مورد توجه جدی قرار گیرند . در این راستا ، شوراها بمثابه پارلمان شهری در چارچوب قانون اساسی ، متضمن حقوق اقوام نیز بوده ، و می تواند ضرورتها و منافع سیاسی اقتصادی شهرها و روستاها و نیل به توسعه متوازن و پایدار را در سطوح منطقه ای و ملی تامین کند . نهاد شوراها ، واجد ظرفیتی بی بدیل جهت دستیابی توامان به حاکمیت ملت و حاکمیت ملی و ، به عبارت دیگر ، شوراهای مردمی ، نهادی است که ، نیل به آزادی و حفاظت از تمامیت ارضی را محقق می سازد . از این رو ، حضور گسترده مردم در انتخابات شوراها ، ضمن مطالبه و استیفای حقوق اساسی ، از قدرت گیری جریانات معارض با دموکراسی و آرمانهای اصیل تاریخی مردم ، ممانعت بعمل خواهد آورد .تا راههای بسط مفهوم شهروندی ، پاسخ گویی به مطالبات تاریخی ، و حفظ و حراست از حقوق و هویت اقوام ، و نیز در راستای اجرای مدیریت واحد شهری ذیل اختیارات گسترده شوراها و نه شهرداران ، که پیش نیاز ارتقاء کیفیت خدمات شهری و زندگی سالم شهری است ، مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد . امید است در انتخابات آینده شوراها ، با حضور گسترده و فراگیر شهروندان ، و هوشمندی جریانات سیاسی دموکرات و علاقه مند به حقوق شهروندی در خصوص رفع مسایل و مشکلات جاری و جهت تقویت جایگاه شوراها در مدیریت شهری ، و تقویت فرآیند مردم سالاری اقدام موثرتری بعمل آید .

## آسیب شناسی تخلفات مرتبط با موتورسیکلت به ثمر نشست

دادستان عمومی و انقلاب گمیشان گفت: با آسیب شناسی تخلفات مرتبط با موتورسیکلت و اتخاذ رویکردهای قاطعانه، در حدود ۷ ماه گذشته علاوه بر ارتقای چشمگیر امنیت عمومی، تلفات جانی سوانح موتورسیکلت به صفر رسیده است. علی اکبر قنبرزاده افروزی در گفت و گو با ایرنا اظهار داشت: آمار تخلفات مرتبط با موتور سیکلت در هفت ماه نخست سال ۹۵، مجموعه قضایی گمیشان را بر آن داشت که آسیب شناسی این تخلف در دستور کار قرار گیرد. وی ادامه داد: در بررسی ها مشخص شد که ۶۰ الی ۷۰ درصد جرائم صورت گرفته در سطح شهرستان گمیشان با استفاده از موتورسیکلت بوده و بیشتر آنها فاقد پلاک و یا دارای پلاک مخدوش و تقلبی هستند. دادستان گمیشان، از سرقت احشام و منازل، مزاحمت برای نوامیس، قاچاق و صید پرندگان شکاری و نیز خرید و فروش مواد مخدر و روانگردان به عنوان نمونه هایی از جرائمی نام برد که با استفاده از موتورسیکلت روی داده است.وی اضافه کرد: متاسفانه در ۷ ماهه نخست سال ۹۵گذشته شاهد آن بودیم که ۱۱ نفر از اهالی گمیشان در تصادفاتی که حداقل یک طرف آن موتورسیکلت بوده ،جان خود را از دست دادند.به گفته وی؛ در سوانح جرحی نیز بیش از ۹۰ درصد مجروحان، موتورسواران یا راکبان آن بوده اند.قنبرزاده با بیان اینکه برای کاهش این مشکلات بحث آسیب شناسی این جرائم و تخلفات انجام شد، اظهار داشت: در این ارتباط از ابتدای آبان ۹۵ تا روزهای اخیر (اواخر اردیبهشت ۹۶) و در یک بازه زمانی حدود ۷ ماه، سوانح منجر به فوت در حوزه موتورسیکلت به صفر رسیده و در این حوزه کشته نشده است.وی گفت: طبق آمار ارائه شده در تصادفات جرحی نیز ۶۷ درصد کاهش مجروحین را شاهد بودیم. دادستان گمیشان یادآورشد: توقیف موتورسیکلت های غیرمجاز (فاقد پلاک – پلاک مخدوش و پلاک تقلبی) و برخورد با افرادی که بدون گواهی نامه اقدام به رانندگی با موتور می کنند همچنان استمرار خواهد داشت و دستگاه قضایی در مواردی که به بحث سلامت مردم و امنیت جامعه به میان بیاید هیچگونه اغماضی در برخورد با متخلفان نخواهد داشت.

اعضای محترم اتحادیه صنف برنج و آردفروشان گرگان

به اطلاع می رساند کسانیکه مایل به کاندیداتوری در هیئت مدیره و بازرس اتحادیه می باشند می توانند از روز شنبه مورخ ۹۶/۲/۱۶ لغایت ۴ شنبه مورخ ۹۶/۳/۳ جهت ثبت نام با در دست داشتن مدارک ذیل جهت ثبت نام به دبیرخانه هیات اجرایی برگزاری انتخابات واقع در خیابان شهید بهشتی نبش بهشت ۸ سازمان صنعت، معدن و تجارت ـ اتاق شماره ۸ مراجعه نمایند.

مدارک مورد نیاز:
۱ ـ یک برگ فتوکپی پروانه کسب( الگوی هیئت عالی نظارت) به همراه اصل آن
۲ ـ یک برگ فتوکپی از تمام صفحات شناسنامه به همراه اصل آن
۳ ـ یک برگ کپی کارت ملی
۴ ـ عکس جدید ۴*۳ چهار قطعه
۵ ـ یک برگ فتوکپی مدرک تحصیلی حداقل دیپلم به همراه اصل آن

حاج محمدتقی سلامت ـ رییس اتحادیه برنج و آرد فروشان

خبر

## ۲۵۰ هکتار از شهرک صنعتی اترک آسفالت می‌شود

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی گلستان گفت: عملیات آسفالت کردن ۲۵۰ هکتار از شهرک صنعتی اترک به زودی آغاز می‌شود. به گزارش مهر، حجت الله خلیل زاده در جلسه شورای اداری استان، اظهار کرد: پروژه آسفالت، گازرسانی، فیبر نوری و مخابرات برای شهرک هزار هکتاری اترک را با چهار میلیارد تومان انجام خواهیم داد که ۲۵۰ هکتار از این شهرک آسفالت می‌شود. وی افزود: زیبا سازی و مبلمان شهری شهرک‌های صنعتی هم در دستور کارمان قرار دارد و این اتفاق برای نخستین بار در استان رخ خواهد داد. مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی گلستان خاطرنشان کرد: سه شهرک صنعتی استان با اعتبار پنج میلیارد تومان گازرسانی می‌شوند و اجرای شبکه فیبر نوری و مخابرات هم در دستور کارمان قرار دارد. خلیل زاده تصریح کرد: تامین زیرساخت‌ها و ایجاد امکانات و خدمات نرم افزاری برای صنایع کوچک جزو وظایف شهرک‌های صنعتی است و برنامه داریم پنج تصفیه خانه نواحی صنعتی را احداث کنیم. وی ادامه داد: در حوزه صنایع کوچک با عنوان رویکرد اقتصاد مقاومتی، ۴۹ برنامه تحولی تا پایان ماه به استان‌ها ابلاغ خواهد شد.وی یادآور شد: ایجاد بانک صنایع کوچک، کمک به مرکز فروش در سه کشور و بهره برداری از منطقه ویژه اترک از مهم‌ترین برنامه‌های شهرک‌های صنعتی استان است و امیدواریم بتوانیم در برش استانی دو هزار و ۸۱۵ شغل ایجاد کنیم.

«»

## ۲۲ هزار هکتار از اراضی گلستان تا پایان امسال زهکشی می‌شود

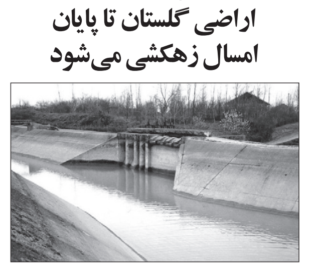

رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: ۲۲ هزار هکتار از اراضی استان گلستان تا پایان امسال زهکشی می‌شود. به گزارش مهر، مختار مهاجر در جلسه شورای اداری استان، اظهار کرد: پروژه زهکشی یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های استان است که دولت قول زهکشی ۲۲ هزار هکتار از اراضی استان گلستان را داده که تا پایان سال به پایان خواهد رسید. وی افزود: البته تامین اعتبار زهکشی ۵۲ هزار هکتار از اراضی استان گلستان قطعی شده که ۲۲ هزار هکتار آن عملیاتی خواهد شد. رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان با اشاره به دیگر اقدامات این سازمان، خاطرنشان کرد: پروژه روش‌های نوین آبیاری را در پروسه‌ای سه ساله به ۵۲ میلیارد تومان رساندیم و امسال قرار است ۶۵ هزار هکتار آن را انجام دهیم.مهاجر تصریح کرد: همچنین سال گذشته ۱۷ میلیارد دلار برای عملیات بهره وری از آب‌های مرزی اعتبار در نظر گرفته شد که رقم قابل توجهی است.وی بیان کرد: لایروبی آب بندان‌ها در کنار طرح اراضی شالیزاری در دستور کار قرار دارد.

«»

## ۱۲ هزار گلستانی تحت پوشش بهزیستی مستمری دریافت می کنند

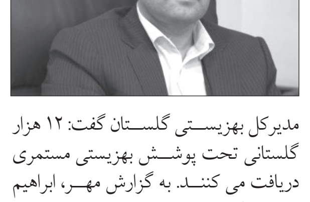

مدیرکل بهزیستی گلستان گفت: ۱۲ هزار گلستانی تحت پوشش بهزیستی مستمری دریافت می کنند. به گزارش مهر، ابراهیم غفاری ظهر شنبه در جلسه شورای اداری گلستان، اظهار کرد: از سال ۸۵ هیچ افزایشی در مستمری مددجویان نداشتیم و سال گذشته پس از ۱۰ سال این اتفاق رخ داد.وی افزود: حمایت‌های درمانی لازم از نیازمندان انجام شد و ۱۷۵ میلیون تومان به ۴۰ نفر پرداخت شد.مدیرکل بهزیستی گلستان با اشاره به ایجاد بیمه مکمل برای مددجویان گفت: امسال برای سه هزار نفر بیمه مکمل ایجاد کردیم و برای کمک به معلولین شدید، قرارداد ۹۰ میلیون تومانی بستیم.غفاری تصریح کرد: در راستای توجه به مناطق محروم و حاشیه‌ای ۹ پایگاه ایجاد کردیم که این تعداد را به ۱۲ پایگاه افزایش خواهیم داد.وی یادآور شد: پرداخت غذای گرم به کودکان زیر ۶ سال هم یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اداره کل بهزیستی استان گلستان بوده که در حال اجرا است.

---

داستان

## مرده برای مردم

علی رایجی

هوا سرد و بارانی که باشد، مردم بیرون نمی آیند مگر این که ناچار باشند. این موقع بهترین زمان برای سفرهایی ست که خیلی ها بلد نیستند. تعریف مرده برای مردم یعنی کسی که روح ندارد. از نظر مردم وقتی روح نباشد، بدن بی جان می شود. ولی بعضی ها هم می گویند مرده یعنی کسی که روح ندارد، حالا جاندار باشد یا بی جان. در مجموع سوال سختی ست و من هم فکر می کنم که بهتر است به جای فلسفه بافی کمی بیرون بروم و در این خلوت کوچه و خیابان سفر کنم. وارد گورستان شهر شدم. این که عده ای به خاطر خاک کردن مرده ای آنجا باشند احتمالش خیلی بیشتر است و این بار هم همین طور بود. کمی این ور و آن ور رفتم و نزدیک حفره سفر ایستادم و وقتی دیدم در دید کسی نیستم نشستم و رفتم تو. تاریک بود. دو غلتک در حال چرخش بودند که هر چیزی را مثل خمیر نان لواش صاف می کردند. چشمانم را بستم و سرم را جلو بردم و از لای آن رد شدم. این سفر این طوری شروع می شود. پشت غلتکها ته دریاچه ای با آب زلال بود. این آب آدم را خفه می کرد اما نه تشنگی را برطرف و نه چیزی را خیس می کرد. مثل ماهی رفتم روی آب.

– «سلام قربان».

– «سلام. خوبی. آمار این هفته رو بده ببینم».

آمار مرده ها فهرستی معمولی از کسانی بود که مرده بودند. چیز خاصی نداشت. مرده ها دو جور بود. مرده های سفید و مرده های رنگی. سفید ها دو جور مرده بودند: هم روحشان مرده بود و هم جان نداشتند. رنگی ها فقط روحشان مرده بود. برای همین سفید نبودند.اسمها را چک کردم. بعد نگاهی به مرده های رنگی کردم. چشمم به یک مورد عجیب افتاد. این زن چرا مرده بود؟

دوباره نگاهی به فهرست اسم ها کردم. بله، خودش بود.یاد آن روزی افتادم که می گفت: «هنر فقط هنر غربی ها؛ از هر نظر از ما پیش هستند».

– «خب، بزارید برن».

– «قربان، هر روز داره جمعیت مرده ها بیشتر میشه».

– «خب، این که طبیعیه. فقط نمی دونم چرا هنرمندای خوب هم دارن می میرن».

– «اون خانمه رو میگین؟».

– «آره».

بعد همه ناپدید شدند و من ماندم و دریاچه. کنار دریاچه تفریح گاهی داشت که زنده های بی جان جمع می شدند. شنا می کردند، آفتاب می گرفتند و خوش می گذراندند. از آنجا پیرمرد و پیرزنی برایم دست تکان می دادند. من هم لبخندی زدم و دست تکان دادم. اینها همه رنگی بودند؛ اما دو نوع رنگی. عده ای هر روز کمرنگ می شدند و عده ای نه. این پیرمرد اصلا کمرنگ نمی شد ولی آن پیرزن در آینده ای دور تا حدی رنگش می پرید. کمی شنا کردم و تصمیم گرفتم که برگردم. چند نفر دیگر را هم موقع شنا دیدم. اما فکرم پیش آن زن هنرمند مرده بود. ناراحت بودم. تصمیم گرفتم برگردم. مسیر برگشت ساده تر بود. زیر آب دریچه ای بود که به ورودی این جا باز می شد. صدای غلتک ها می آمد. کمی از لای در بیرون را دید زدم و بعد خارج شدم. هوا سرد بود و نم نم بارانی می زد. همه چیز خوب بود جز فکر همان زن. طاقت نیاوردم. دوباره برگشتم. این بار شرط ورودی فرق می‌کرد. دو تا ابر اسفنجی خیلی بزرگ بود که باید از لایشان رد می شدم. آن قدر بزرگ و به هم فشرده بودند که اگر کسی دیر می جنبید، آن لا خفه می شد. وقتی رد شدم صدای موسیقی می آمد. صدای موسیقی حال خاصی می داد. هر بار که موسیقی عوض می شد، حال من هم تغییر می کرد. شاید هم بر عکس؛ هر وقت حال من تغییر می‌کرد، موسیقی هم تغییر می‌کرد. این بار در هوا شناور بودم. رفتم دنبال آن زن. وقتی پیدایش کردم داشت با چند مرده رنگی دیگر بگو و بخند می کرد. اطراف هم پر از سنگ قبر بود. همه بچه شدیم و گرگم به هوا بازی کردیم. موسیقی شادی می شنیدیم. بعد همه جمع شدیم تا یارکشی کنیم.

دو گروه شدیم تا زو بازی کنیم. موسیقی عوض شد. هیجان انگیز شد. در موقع بازی فکر کردم که چرا این ها را مرده حساب می کنند. این ها که شادند و می خندند. بازی تمام شد. من و آن زن بچه شدیم و رفتیم بادکنک بخریم. موقع برگشت توی بادکنک فوت می کردم اما سوراخ بود. دختر خندید و گفت ایراد ندارد. شب بود. رفتیم خانه. پر از مرده رنگی بود. سر سفره نشستیم. موقع غذا حواسم به دختر بود. موهای صاف سیاهش توی چشم می زد. چرا این ها همه مرده حساب می شوند؟ این ها که همه شادند و دارند لذت می برند. بعد از غذا رفتیم توی حیاط. یک حوض آنجا بود. کنار حوض که رفتم، دریاچه شد. باز هم آن پیرمرد و پیرزن را آن طرف دریاچه دیدم که دارند دست تکان می دهند. من هم دست تکان دادم و لبخند زدم. دختر دوباره بزرگ شد و کنارم ایستاد و نگاه کرد چکار می کنم.

گفتم: «کاش نمرده بودی».

– «آره، کاش نمرده بودم».

قدم برداشتم و پرواز کردم و از نقطه ای که توی هوا معلق بود رد شدم و برگشتم به گورستان شهر. این بار دقت نکردم کسی هست یا نه؛ چون آن قدر ناراحت بودم که برایم مهم نبود. موسیقی آن طرف را می شنیدم. آهنگ غمناکی بود.

# نشست شیدایی قلم

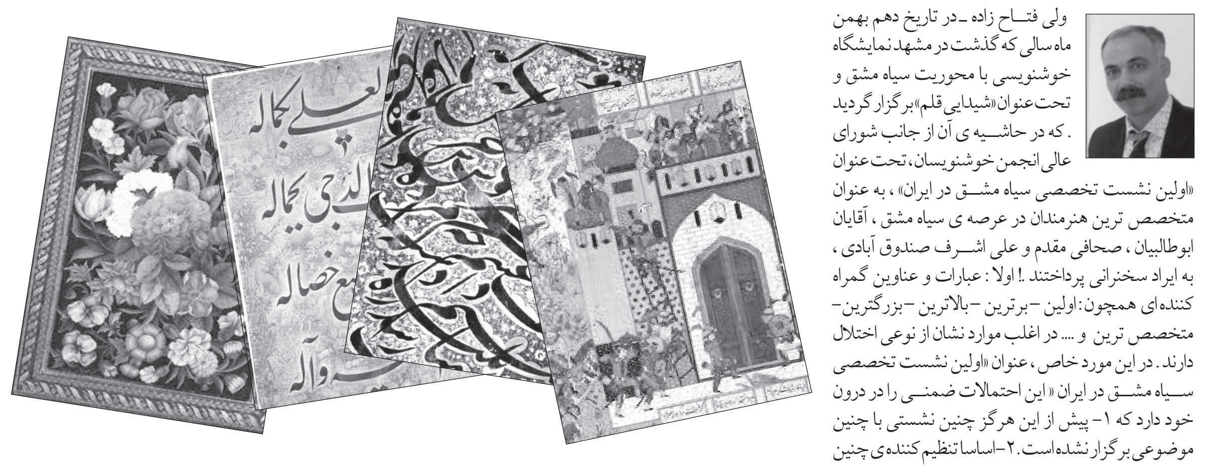

ولی فتاح زاده ـ در تاریخ دهم بهمن ماه سالی که گذشت در مشهد نمایشگاه خوشنویسی با محوریت سیاه مشق و تحت عنوان «شیدایی قلم» برگزار گردید . که در حاشیه ی آن از جانب شورای عالی انجمن خوشنویسان، تحت عنوان «اولین نشست تخصصی سیاه مشق در ایران» ، به عنوان متخصص ترین هنرمندان در عرصه ی سیاه مشق ، آقایان ابوطالبیان ، صحافی مقدم و علی اشرف صندوق آبادی ، به ایراد سخنرانی پرداختند .! اولا : عبارات و عناوین گمراه کننده ای همچون: اولین –برترین –بالاترین –بزرگترین– متخصص ترین و .... در اغلب موارد نشان از نوعی اختلال دارند . در این مورد خاص ، عنوان «اولین نشست تخصصی سیاه مشق در ایران » این احتمالات ضمنی را در درون خود دارد که ۱– پیش از این هرگز چنین نشستی با چنین موضوعی برگزار نشده است. ۲–اساسا تنظیم کننده ی چنین عنوانی ، نسبت به مباحث پیشینی بی توجه بوده و در صفر مطلق بسر میبرد . یک جستجوی ساده در گوگل ، تکلیف ما را با احتمال اول روشن میکند . و مشخص میکند که چنین نشستی ، پیش از این نیز به دفعات برگزار شده است . بناچار باید روی احتمال دوم مکث کنیم . و به این نتیجه ی منطقی برسیم که هدف از کاربرد عنوان «اولین» نه یک دغدغه ی معرفتی، بلکه یک ترفند تبلیغاتی برای بی اعتبار کردن تلاش دیگران و نمایشی مبالغه آمیز از خویشتن و یا مجموعه ی همراه است . «حوزه ی معرفت» نیز رفتاری کمابیش شبیه ما انسان ها دارد . وقتی کسی را نادیده میگیریم ، او هم با ما قهر میکند . به عبارتی : وقتی «معرفت» پیشینیان و تلاش آنها را نفی میکنیم ، «معرفت» نیز از ما فاصله میگیرد و در گوشه ای دور از ما ، به عمق نادانی ما ریشخند میزند . و بعد : نگارنده ی این سطور ، محتوای فرمایشات این عزیزان را موردبررسی و تحلیلی اجمالی قرار داده است. آنچه که تقدیم است : تحلیل سخنان آقای عباسعلی صحافی مقدم، یکی از سخنرانان این نشست است . تحلیلی بر سخنان دو سخنران دیگر نیز صورت گرفته که متعاقبا تقدیم اذهان هوشیار شما خوانندگان خواهد شد. سخنرانی جناب صحافی ، با تاکید بر تخصصی و فنی بودنِ نمایشگاه و سخنرانی ها آغاز میشود . اما ظاهرا بلافاصله بیاد می آورد که در حوزه ی سیاه مشق ، از حیث فنی –تخصصی ، نه تجربه ی درخوری دارد و نه مطالعه ای ، پس بلافاصله ، پرداخت فنی ی این بحث را به سخنرانان پس از خود حواله میدهد. ایشان در سخنرانی خود دیدگاه هایی را ارائه میدهد که خود گمان دارد کلیتی پیوسته است. اما خواهیم دید که بخش های مختلف سخنرانی ایشان ، همدیگر را نقض کرده و بی اعتبار میسازند . به عبارتی ما با سخنرانی ای مواجه هستیم که پاراگراف های تشکیل دهنده ی آن همدیگر را نفی و طرد میکنند . سعی خواهم کرد این آشفتگی ها را آشکار و دلایل وجود چنین تناقضاتی را نیز در حد توان نشان دهم .

امـا بعد : او میگوید : هنر خوشنویسی بطور «غیر قابل انکاری»! در فرم و فضا و جغرافیا؟ و تاریخ؟ معنویست . این معنویت ذاتی ست و نه تنها مضامین که حتی الفاظ و چرخش های قلم و فرم های مجرد را نیز شامل میشود . این برداشت ایشان برگرفته و یادگار نگاه پیشینیان ما در ایران باستان است . که بویژه در فرهنگ و هنر مانوی خود را باز تعریف کرد . نگاهی که هر گونه فعالیت مثبتی را هنر میداند و مترادف با قرار گرفتن در مسیر «نور» و فاصله گذاری با جبهه ی «ظلمت» و اهریمن قلمداد میکرد . در این نگاه ، اساسا فرم و محتوا ، پیوسته ی هم هستند و زیبایی در فرم ، بازتاب زیبایی درون تلقی میشود . پس از استقرار خلفای عرب ، ایرانیان با تاکید و تکرار، این حدیث از رسول الله(ص) : «إنّ اللّه جمیلٌ یحب الجمال» (صحیح مسلم ۹۳/۱)را تضمینی بر دوام آن نگاه باستانی و موید فرضیه ی خود می دانستند . آقای صحافی مقدم این کلام پیشینیان را به عاریت میگیرد اما در ادامه ی سخنرانی خود نشان میدهد که متاسفانه متوجه ی مفهوم متن خود نیست . چرا که بلافاصله میگوید و میپرسد : چگونه است که این هنر در طول تاریخ و فرایند تکاملش (تکامل؟) بین این دو مقوله فاصله پیدا شده است ؟ و امروزه آیا هنر خوشنویسی میتواند هنرمند را معنوی کند یا خیر؟

اگر ایشان برای خوشنویسی، ذات غیر قابل انکاری قائل هستند و آن را ذاتاً معنوی میدانند . دیگر این سوال چه وجهی دارد ؟ . مگر اینکه ابتدا فرض اول خود را منتفی بدانند و معنویت راذاتی هنر خوشنویسی ندانند و سپس این سوال را پیگیری کنند. و نیز میگوید: همه ی هنرمندان ما عارف بوده اند !!!و عارفان ما هنرمند!!!! اینکه چرا ایشان چنین ادعای خلافی طرح میکنند را در ادامه بررسی خواهیم کرد . علت این جعل زیرکانه که معمولا توجه و مخالفت کسی را نیز برنمی انگیزد برای بافتن باقی فرضیات بشدت ضروری ست . این فرض که همه ی عارفان هنرمند و همه ی هنرمندان عارف بوده اند، فرضیه ای ست که تاریخ خوشنویسان آن را انکار میکند .

دکتر مهدی بیانی برخی از بزرگترین خوشنویسان تاریخ را چنین معرفی میکند:

ابن مقله : وی از دانشمندان عصر و در علوم فقه و تفسیر و قرائت و ادبیات دست داشت و شعر میگفت و در ترسل و انشاء و خط سرآمد بود .

یاقوت مستعصمی: ادیب و فاضل و عالم و شاعر

بایسنقر: بانی زیباترین مکتب کتاب سازی در ایران بوده و در هیچ دورانی به اندازه ی زمان او نسخه های نفیس و زیبانوشته و تصویر نشده است. بسیار خوشگذران بوده و با تجمل می زیسته و بسبب افراط در خوشگذرانی در سنین جوانی (۳۵ یا ۳۸ سالگی)در هرات بدرود حیات گفته.

میرعماد: مردی آزاده و بلندنظر و از جمله ی معدود کسانی بود که هنر را برای نفس هنر دوست می داشت . (هنر برای هنر)کلهر: پاکدامن ، هنردوست،نظربلند و خوش محضر و بذله گو بود . هنر را دوست می داشت برای نفس هنر .

عمادالکتاب:عضویت در کمیته کجازات و تحریر بیانیه ها– حبس–تبعید–کار در دفتر مخصوص رضاشاه

در ادامه خواهیم دید که چرا جناب صحافی مقدم اصرار دارد که این واژه ی «عارف» را به تاریخ خوشنویسی و خوشنویسان بچسباند.وچرانمیگوید خوشنویسانِ دانشمند و یا خوشنویسان محقق و اندیشمند و ............؟

ادامه ی نقد سخنان آقای صحافی مقدم:

در ادامه، جناب صحافی مقدم می فرمایند: «اساسا زندگی عبارت است از فرم و فضا و در ادامه اظهار میدارند که ما در فرم گرفتار و محبوس می شویم . همه ی اشکال زندگی ، همچون پوست ، جسم آدمی ،سلول ،محیط ، نام ، آموزش ، فرهنگ ، خانواده ، اندیشه و سخن محدود کننده ی هوشیاری ایزدی هستند . به عبارتی فرم قفس و زندان است . همه ی اینها موجب میشوند که انسان به هوشیاری فرمی دست پیدا کند.

منظور ایشان از فضا نیز : معنا ، سکوت ، فضای تهی ، بی فرمی ، معنویت ، فضای خالی بین سلول ها ، که ورای فرم قرار دارند و نامش هوشیاری بی فرمی است و هوشیاری بی فرمی یعنی فضای یکتایی الهی که در درون ماست.

این هوشیاری فرم به ما اجازه ی ورود آن هوشیاری بی فرم را نمی دهد. سیاه مشق مرحله ای از تکامل خوشنویسی ست که هنرمند از زندان فرم خارج میشود و به فضا منتقل می شود .سیاه مشق در واقع غلبه ی فضا و تفکر فضا شناسی بر قالب فرم هاست بی آنکه به ادبیات و کلامش توجهی نشان بدهد. مثال های ایشان از کنفوسیوس منظورشان را روشن تر میسازد اتاق را از آجر و خاک و گل می سازند که فرم است . اما فضای تهی آن جوهره ی اصلی اتاق را می سازد.

کوزه را از خاک و گل می سازند که فرم است . اما فضای تهی درون کوزه جوهره ی اصلی آن است.

پس: معنا و فضا ورای فرم قرار دارد و جایگاه خدا آنجاست.»

بطور کلی در هنر مورد نظر جناب صحافی مقدم ، جدال اصلی بین فرم (فضای اشغال شده) با فضای خالی ست . در ادامه نشان خواهم داد که حداقل در هنرایرانی–اسلامی غالبا چنین نبوده است.

اما قبل از آن : ایشان در بخش اول سخنرانی خود فرمودند: الفاظ و چرخش ها و حرکت ها و «فرم » هایی که هنر خوشنویسی دارد ذاتا معنوی هستند . در حالی که در بخش دوم میفرمایند: فرم(هوشیاری فرمی) نه تنها زندان است بلکه اجازه ی ورود معنویت (هوشیاری بی فرمی) را نیز نمی دهد. و باز در بخش دیگری، سیاه مشق را غلبه ی فضا و تفکر فضا شناسی در قالب فرم ها میدانند . یعنی آن هوشیاری ایزدی خود را در فرم متجلی میکند.

سه دیدگاه کاملامتفاوت و متناقض که نشان از آشفتگی ی نظری در یک سخنرانی ی سی دقیقه ای میدهد.

امـا اصل نظر ایشان ؛ یعنی جدال فرم (زندان) با فضای تهی(معنا،سکوت–هوشیاری ایزدی)

به این تصاویر نگاه کنید:

همچنان که مشاهده کردید ؛ بر خلاف تصور ایشان ،در غالب موارد ، بیشتر هنر ایرانی–اسلامی ، پرتزیین و سرشار از ظریفکاری ست . و هنرمند هیچ بخشی از فضای اثرش را خالی نمی گذارد. حتی فرم های درونی و فضای منفی آثار خوشنویسی چه در سیاه مشق و چه در قوالب دیگر عمدتا به وسیله رنگ ، تذهیب و تزیینات دیگر پر شده است.و کشمکش آشکار بین فرم و تزیینات یکی از ویژگی های مهم بخش اعظم هنر اسلامی است . نقوش صورت گرفته بر روی سفالینه ها نیز ما را متوجه این نکته میکند که هنرمندان برداشتی یکسره متفاوت از برداشت صوفیانه داشته اند و وقت خود را برای این صرف نکرده اند که بیننده بی خیال از کنار اثرشان عبور کند و جذب فضاهای تهی شود. ضمن اینکه وجود امضا زیر این آثار ، نشان میدهد که هنرمندان نسبت به آفریده ی خود احساس غرور میکردند و انتظار داشتند بیننده نیز مهارت آنان را ستایش کند. درست مثل خود جناب صحافی مقدم به هنگام خوشنویسی.نقاشی ایرانی–اسلامی به طور کلی شلوغ و پر از جزئیات هستند و همین ویژگی برخی را به این گمان افکنده که هنر اسلامی از فضای تهی می هراسد و از آن بیزار است .(با نگاهی به زیبایی شناسی اسلامی–اولیورلیمن)

قطعا حرف من این نیست که هرگز هنرمندانی با گرایشات عرفانی و صوفیانه در تاریخ هنر نداشته ایم . بلکه مقصود این است: تفسیر صوفیانه، فقط یکی از گرایشات موجود در هنر ایرانی ست . اعتراض من به مصادره کردن همه ی تاریخ هنر ایرانی–اسلامی از جانب پیروان این نظریه است. که اخلاق ادعایی آنها را نیز زیر سوال میبرد. تاکید بر «عارف بودن همه ی هنرمندان و هنرمند بودن همه ی عارفان» نیز به منظور مصادره ی دستاورد این هنرمندان است .......... ادامه دارد....

و اما کلامی چند با تفسیر صوفیانه ، از روی سر جناب صحافی مقدم عزیز!مشکل تفسیر صوفیانه، در خوانشی واحد از انواع گوناگون صورت های زیبایی شناختی است. صوفی ادعا میکند که همه چیز و از جمله همه ی آثار هنری فقط یک معنا دارند . و آن معنا نیز در نزد اوست. به همین دلیل است که آن حرف واحدش را در همه جا میزند و مدام خود را عرضه می کند ، چه در سمینار پزشکی ، فیزیک، ورزش جامعه شناسی ، مباحث تربیتی و وووو......و اصرار دارد که در همه ی این احوال و آثار میتواند وارد شود . و همان معنا را تکرار کند. در عین حال میگوید: همه چیز در عالم نیز فقط همان یک معنا را دارد . در این صورت باید پرسید : پس فرق بین آثار هنری و غیر هنری چیست ؟ و مهم تر : فرق هنر اسلامی با هنرهای دیگر چیست ؟سعدی میگوید: برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری ست معرفت کردگار و اگر عارف پر ادعای ما نتوانست در همان برگ درختی که سعدی نشان داده است ، آفریدگار متعال را بیابد ، چه تضمینی که در عالم هنر بیابد ؟ آیا همین دلیل کافی بر ناهوشیاری و احتمالا ریاکاری او نیست؟ بر کلید واژه ی «ریاکاری» صوفیانه تاکید می کنم چرا که هنوز هم تن حافظ را در گور میلرزاند.صوفی ، محکوم به ریاکاری ست . چرا؟ صوفی میگوید: تن، همان قفس است و خوراک و پوشاک و امکانات رفاهی و ... را حجاب و فرم و قفس می پندارد !! و آزادی انسان را در نفی و رهایی از همه ی مظاهر زندگی و حتی خود زندگی تبلیغ میکند . پس با هر لباسی که تن میکند و هر لقمه ای که بر میدارد و هرگونه فعالیتی که مرگ او را حتی برای لحظه ای به تاخیر اندازد ، در حال انکار خویشتن است . و این همان ریایی ست که تار و پود نظریه اش، او را در آن به بندی ابدی کشیده است .صوفی میگوید: من خاکم من بی ارزشم من کمترینم و بی مقدارم و پستم و ..... اما در همان حال، اگر از او متابعت نکنی تکفیرت میکند واگر صاحب قدرتی شود، گردنت را میزند. صوفی در ظرف زبان و با استفاده از کلمات سخن میگوید . فراوان هم سخن میگوید . و خود دائما از نردبان «کلام» بالا میرود اما بلافاصله نردبان را می اندازد و دعوت به سکوت میکند و همین دعوت را هم در «ظرف زبان» انجام میدهد. او در واقع مخاطبش را ساکت میکند و نه خود را!!!! مخاطب در نزد او رهروی ست که فقط باید بشنود و تمجید کند تا او این فرصت را بیابد که متواضعانه تکرار کند: من بی مقدارم!!!

محمدرضا
جعفری پیته نوئی
نامزد پنجمین دوره
شورای اسلامی شهر گرگان
کد ۲۵۶
مسئول فروشگاه بسیجیان سابق
(گرگان و بندر ترکمن)
صداقت در گفتار، سلامت در عمل
شهری پر نشاط همراه با سازندگی

با شاعران

حالا که رهسپار
دیاری دگر شدم
از من بگیر فاصله
چون دربدر شدم
تنها که نیستم
همه ی راه رفته را
با سایه‌ای شکسته چنین همسفر شدم
دورم اگرچه ،باز به گوش تو می رسم
چون ماجرای قصه ی هر رهگذر شدم
با کوله باری از غزل و گریه هر کجا
واژه به واژه شعر شدم شعله ور شدم
پیغام داده ای که بیا بی تو مرده ام
پیغام داده ام که پشیمان اگر شدم –
می آیم و دوباره تو را دار می زنم
حالا که از خیانت تو با خبر شدم

علی اصغر کیانی

«»

فرصت بود برای شدن
در چشم های او
از پشت استکان ها
وقتی مردی تمام می‌شود
در زنی
افسوس عشق هایی که عاشق
نشده را
افسوس ننشستن دور میزی که
می توانست کوتاه بیاید
و بلند تر کند
بخار گرفته دور چشم‌هایش را؛
_که خیلی دور ایستادی
دورتر از حوصله ماشین در جاده

محمدگنابادی

«»

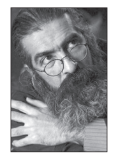

گنجشک که نیستم
سخت و شفاف
معنی شیشه را می فهمم
دور تا دورم
آینه هم بچینی
تنها
سلول های زندانم را تکثیر می کنی
پرنده که نیستم برایت آواز بخوانم
در قفس نگهم داری
یا شعر می گویم
یا شعار می دهم
یا ناسزا

سینا بهمنش

«»

یک روز
یک غروب ناگهانی پاییز
قلبت پر از سکوت
پنجره ها میشود
پر از سکوت پنجره های
مهاجم
دلت برای کسی تنگ می شود
که نمی خواهی اش
که دوستش نداری
که هرگز نداشتی و دلت می تپد
که زنگ خانه را بزند
بنشیند برایت از گذشته حرف بزند
چای بیاوری برایش
بگوید چه استکان قشنگی
چه چای خوشرنگی
یک روز یک غروب ناگهانی پاییز ...

علی میرادی

«»

باور نمیکنم که تو
را گریه میکند
سردردهای مزمنِ
هر شب برای منَ
باور نمیکنم که پَرَت لای
در شکست با دست بسته
نشستی به پای منگفتی که قبل امدنت میرسم
نترس
یا من هنوز در رَهمَم یا تو رفته ای
گفتی که گفته ای که چرا دیر کرده ای!!!
من هم سؤال میکنم هییی ،با که گفته ای؟؟؟؟
شلیک میکنم هر شب به تخت تو
در تو کسی به من هر شب شناورست
هی تیر میزنم و هی تیر میخورم
این جنگ بین دو خواهر،برادرست
نه...باور نمیکنم که تو سردرد میشوی
مزمن ترین لباس تو را پرسه میزنم
ان چشمهای بیشرف شرمشان کجاست؟
هرروز روی عینکمان پرده میزنم
اقا بیا و بیخیال بغل کردنم بشو
أصلا مگر بغلم پاپتی نبود؟
امروز وقت نیست بزار هفته ی دگر...
این حرفها مگر حرفِ تو ی لعنتی نبود؟
بلعیدن روح من أصلاً مهم که نیست
نسل مریض تو آدم بشو نبود
من مَال اینهمَه فحشا نبوده أم
یک جای زندگی أم بلبشو نبود
باور نمیکنم حتی اگر به خواب...
رؤیای آدم شدنت واقعی نبود
من فکر میکنم به گذشته ،به حرفهات
حتی صدای تَنت واقعی نبود

میثم هرندی